

بررسی رابطه کارکرد خانواده و الگوی تعامل خانواده با خود ناتوان سازی در مراجعین به مراکز مشاوره شهر گرگان

هانیه قربانی^۱، رضا گل پور^۲

^۱ کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، آموزگار ابتدایی شهرستان آق قلا (نویسنده مسئول)

^۲ دکتری روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تعیین رابطه کارکرد خانواده و الگوی تعامل خانواده با خود ناتوان سازی در مراجعین به مراکز مشاوره شهر گرگان بود. روش این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری تمامی افراد مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر گرگان در سال ۹۵-۹۶ می باشد. نمونه مطالعه عبارت بود از ۳۸۰ نفر از افراد مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر گرگان به منظور نمونه گیری از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شد. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه الگوی تعاملات خانواده ریچی و فیتز پاتریک (۱۹۹۰)، ابزار سنجش خانواده مک مستر (Fad) مقیاس خود ناتوان سازی (SHS) استفاده گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چند گانه استفاده شد. نتایج این مطالعه نشان داد که بین مولفه عملکرد کلی از کارکرد خانواده و خودناتوان سازی در سطح معناداری ۰/۰۵ رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. در واقع می توان گفت هر چه نمرات افراد در مولفه کارکرد کلی از کارکرد خانواده بیشتر باشد میزان خودناتوان در آن ها کاهش می یابد. همچنین افزایش الگوی تعامل خانواده باعث کاهش خودناتوان سازی می شود. همچنین بین کارکرد خانواده و الگوی تعامل خانواده با خودناتوان سازی رابطه معناداری وجود داشت. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که حل مشکل، نقش ها، عملکرد کلی، الگوی گفت و شنود و الگوی همنوایی باعث کاهش خودناتوان سازی می شوند. با توجه به این یافته ها به نظر میرسد آموزش و مداخلات مبتنی بر افزایش کارکرد و الگوهای ارتباطی خانواده می تواند با کاهش خود ناتوان سازی در راستای افزایش سلامت روان مراجعین مراکز مشاوره مثر ثمر واقع گردد.

واژه‌های کلیدی: کارکرد خانواده، الگوی تعامل خانواده، خودناتوان سازی.